

ارسال: ۱۴۰۳/۹/۶

پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۰

doi 10.22034/nf.2026.490806.1373

گسترش تجارت دریایی در آناطولی غربی: از جنگ چهارم صلیبی تا نبرد کوسه داغ (۶۰۰-۶۴۰ ق/ ۱۲۰۴-۱۲۴۳ م)

محمد پاک فطرت* (دانشجوی دکتری تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

احمد فضلی نژاد** (دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

عبدالرسول خیراندیش*** (استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

چکیده: دولت سلجوقی روم یکی از مهم‌ترین دولت‌های محلی تاریخ ایران در سده‌های میانه به شمار می‌رود که کمتر در پژوهش‌های تاریخی مورد توجه و بحث قرار گرفته است. این دولت از آغاز سده هفتم هجری/ سیزدهم میلادی تا نیمه آن (۶۴۰ ق/ ۱۲۴۳ م) یکی از قدرتمندترین و مهم‌ترین دولت‌های ایرانی در آسیای صغیر بود. سیاست‌گذاری‌های درست سلاطین سلجوقی روم در دوره‌ای چهل ساله، یعنی از زمان جنگ چهارم صلیبی تا حمله مغول به آناطولی و درگیری‌شان با سلجوقیان روم در نبرد کوسه داغ، سبب گسترش مناسبات بازرگانی در این منطقه شد. مهم‌ترین کارهای دولت سلجوقیان روم در این دوره، که شکوفایی اقتصادی را رقم زد، عبارت بودند از: گسترش قلمرو خود از مرکز آسیای صغیر به سمت کرانه‌ها و بنادر دریای سیاه و دریای مدیترانه، ایجاد زیربنای اقتصادی همچون بازارها و کاروانسراها در مسیرهای گوناگون، آبادانی شهرهای مهم و از همه مهم‌تر تأمین امنیت راه‌های ارتباطی زمینی و دریایی تحت حاکمیت خود. در این پژوهش مناسبات بازرگانی در آسیای صغیر از زمان تصرف قسطنطنیه در جنگ چهارم صلیبی تا زمان نبرد کوسه داغ به روش تاریخی و رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان روم، آسیای صغیر، تجارت دریایی، جنگ چهارم صلیبی، نبرد کوسه داغ

مقدمه

آسیای صغیر به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش یعنی، قرار گرفتن در ساحل جنوبی دریای سیاه و

* mohammad.pakfetrat@hafez.shirazu.ac.ir

** fazlinejad@shirazu.ac.ir

*** kheirandish.ar@gmail.com

امتدادش به شرق و غرب، همچون پلی میان اروپا و آسیا است و بدین جهت همواره اهمیت راهبردی داشته است. هنگامی که دولت سلجوقیان در نبرد ملازگرد (۴۶۳ق/ ۱۰۷۱م)، امپراطوری بیزانس را شکست داد و بخش‌های گسترده‌ای از آسیای صغیر را تسخیر کرد، اقوام ترک وارد این منطقه شدند. پیش از این، اقوام دیگری همچون ایرانیان، یونانیان و ارمنه در این منطقه حضور داشتند. از هنگام بنیان‌گذاری دولت سلجوقی روم، قلمرو این دولت محدود به مناطق مرکزی آسیای صغیر بود، چراکه اقوام صحرانورد با اهمیت دریاها آشنا نبودند، اما وقتی جنگجویان صلیبی در سال ۶۰۰ق/ ۱۲۰۴م بندر قسطنطنیه را فتح کردند قلمرو دولت سلجوقی روم دچار تحول اساسی شد و به سمت کرانه و بنادر دریای سیاه و دریای مدیترانه گسترش یافت. از فتح قسطنطنیه تا نبرد کوسه‌داغ که میان دولت سلجوقیان روم و مغول در سال ۶۴۰ق/ ۱۲۴۳م درگرفت، چهار تن از سلاطین سلجوقی روم به نام‌های غیاث‌الدین کیخسرو بن قلیچ ارسلان (کیخسرو یکم) (حک‌دور نخست: ۵۸۶-۵۹۲ق/ دور دوم: ۶۰۱-۶۰۷ق/ ۱۱۹۲-۱۱۹۶م/ ۱۲۰۵-۱۲۱۱م)، عزالدین کیکاوس یکم (حک: ۶۰۷-۶۱۷ق/ ۱۲۱۱-۱۲۲۰م)، علاءالدین کیقباد (حک: ۶۱۷-۶۳۶ق/ ۱۲۲۰-۱۲۳۷م) و غیاث‌الدین کیخسرو دوم (حک: ۶۳۶-۶۴۴ق/ ۱۲۳۶-۱۲۴۶م) بر مسند قدرت بودند و توانستند موجبات گسترش مناسبات بازرگانی دریایی را در یک بازه زمانی چهار ساله میان دو هجوم به آسیای صغیر فراهم کنند. در این میان دریای سیاه اهمیت زیادی برای دولت سلجوقیان روم داشت، چراکه دولت سلجوقی نخستین دولت در تاریخ ایران پس از اسلام به شمار می‌رفت که موفق به تسخیر بنادر و کرانه‌ها هم در جنوب و هم در شمال این دریا شده بود.

اشغال قسطنطنیه که یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخی سده‌های میانه به شمار می‌رود، افزون بر تجارت دریایی، تأثیرات سیاسی و بازرگانی مهم دیگری نیز به جای گذاشت. از یک سو امپراطوری بیزانس تا سال ۱۲۶۱م، که میخائیل هشتم پالایولوگوس موفق به بازپس‌گیری بندر بیزانس شد، گرفتار آشوب و ناامنی بود و از سوی دیگر در میانه این دوره، یعنی در سال ۶۱۶ق/ ۱۲۱۹م، مغول به قلمرو دولت خوارزمشاهیان حمله کرد و در مناطقی چون فرارود، خوارزم و خراسان مردم بسیاری را کشت. بدین ترتیب، شماری از مردمان این مناطق که از هجوم مغول جان سالم به دربرده بودند توانستند خود را به آسیای صغیر که در آن دوره ثبات سیاسی و اقتصادی داشت برسانند و سبب رشد و توسعه مناسبات بازرگانی این منطقه بشوند. نبرد کوسه‌داغ در سال ۶۴۰ق/ ۱۲۴۳م در نهایت به آزادی بیزانس از دست دولت لاتینی در سال ۶۵۹ق/ ۱۲۶۱م انجامید و

موجب بازگشت مناسبات بازرگانی به امپراطوری بیزانس شد. در این پژوهش چگونگی مناسبات بازرگانی در آسیای صغیر در دوره میان جنگ چهارم صلیبی تا نبرد کوسه‌داغ (۶۰۰-۶۴۰ق/۱۲۰۴-۱۲۴۳م) مورد بررسی تاریخی قرار گرفته و نقش دولت سلجوقیان روم در گسترش مناسبات بازرگانی این منطقه ارزیابی شده است، دولتی که توانست با ابزارهای سیاسی و نظامی در منطقه‌ای که خاور و باختر آن در آشوب و جنگ بود امنیت لازم را برای گسترش مناسبات سیاسی و بازرگانی فراهم کند. این نکته‌ای است که در پژوهش‌های دیگر کمتر به آن توجه شده است. پرسش پژوهش حاضر این است که فرمانروایان سلجوقی با بهره‌گیری از چه روشی توانستند دوره‌ای هرچند کوتاه، در فاصله میان دو جنگ ویرانگر در قلمرویی میان دو منطقه بحرانی، در نیمه نخست سده هفتم هجری/ سیزدهم میلادی، که از یک سو صلیبیان به غارت شهر قسطنطنیه پرداختند و از سوی دیگر لشکرهای مغولی به دروازه‌های آناتولی وارد شدند، توسعه بازرگانی همراه با امنیت سیاسی را در مناطق تحت حاکمیت خود برقرار کنند؟ آن‌ها چگونه از دریای شمال و دریای سیاه و دریای مدیترانه در جنوب قلمرو خود برای اهداف سیاسی و اقتصادی حکومتشان بهره بردند؟ و برنامه‌ها و رویکردهایشان در این زمینه چه نتایجی به همراه داشت؟

پیشینه پژوهش

درباره مناسبات بازرگانی آسیای صغیر در دوره سلجوقی، داخل و خارج از ایران پژوهش‌هایی انجام شده است. فروزانی (۱۳۹۳) در بخش‌هایی از کتاب سلجوقیان از آغاز تا فرجام مناسبات سیاسی دولت سلجوقیان روم را مورد بررسی قرار داده است. فضل‌نژاد و خیراندیش (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «طرابوزان، پلی میان شرق و غرب همراهی تاجوران با تاجران در اواخر سده‌های میانه»، جایگاه طرابوزان و سلجوقیان روم در مناسبات بازرگانی منطقه آسیای صغیر را بررسی کرده‌اند. پژوهش دیگر در این زمینه «کارکرد راه‌های آناتولی در دوره سلاطین سلجوقی روم» است که در آن حسن‌زاده و طارم (۱۳۹۸)، به بررسی کارکرد راه‌های آناتولی در مناسبات بازرگانی در آناتولی پرداخته‌اند. خارج از ایران نیز کلاود کاهن (۱۹۶۸) در بخش‌هایی از کتاب تشکیل ترکیه: سلطنت سلجوقیان روم از سده یازدهم تا سیزدهم میلادی، به مناسبات بازرگانی در آسیای صغیر پرداخته است. علاوه بر آن در بخشی از جلد اول کتاب تاریخ ترکیه کمبریج، از بیزانس تا ترکیه ۱۰۷۱-

۱۴۵۳م به سرویراستاری خانم کیت فلت (۲۰۰۹)، مناسبات بازرگانی در آناتولی در دوره حکومت سلجوقیان روم بررسی شده است. سونوگول مچیت (۲۰۱۴) در بخش‌هایی از کتاب سلجوقیان روم، تکامل یک دودمان نیز به مناسبات بازرگانی در این دوره توجه کرده است.

جنگ چهارم صلیبی و پیامدهای سیاسی و بازرگانی آن در منطقه آسیای صغیر

پاپ اینوسنت سوم^۱ (حک: ۱۱۹۸-۱۲۱۶م) در سال ۱۲۰۲م فرمان آغاز جنگ صلیبی چهارم را صادر کرد. صلیبیون با ناوگان دولت-شهر ونیز حرکت کردند و به پای دیوار شهر قسطنطنیه رسیدند. الکسیوس جوان یا الکسیوس چهارم^۲ (حک: ۵۹۹-۶۰۰ق/۱۲۰۳-۱۲۰۴م) به صلیبیون پیوست و در ازای اینکه او را در رسیدن به پادشاهی یاری کنند وعده‌هایی به آن‌ها داد، اما پس از رسیدن به پادشاهی به وعده‌های خود عمل نکرد (Angold 1997, p. 320). الکسیوس پنجم، دوکاس (حک: ۶۰۰ق/۱۲۰۴م)، در ربیع‌الثانی ۶۰۰/ ژانویه ۱۲۰۴، الکسیوس چهارم را به قتل رساند و امپراطور بیزانس شد. صلیبیون، که وضع امپراطوری بیزانس را آشفته دیدند، در جمادی‌الثانی/ مارس همان سال، پیمانی مشهور به پارتیتو رومانیایی را طراحی کردند که شامل نقشه‌ای مفصل برای تقسیم امپراطوری بیزانس و بنیان‌گذاری یک امپراطوری لاتین بود. در حقیقت صلیبی‌ها به جای اینکه به بیت‌المقدس لشکرکشی کنند تصمیم گرفتند شهر بیزانتیوم را فتح کنند. از سوی دیگر دولت-شهر ونیز، که می‌خواست بدون اجازه امپراطوری بیزانس در دریای سیاه حضور داشته باشد، اصلی‌ترین پشتیبان صلیبیون بود (گرگوری ۱۴۰۰، ص ۳۴۸). وقتی صلیبیون در ۲ شعبان/ ۱۲ آوریل همان سال، شهر قسطنطنیه را تسخیر کردند بسیاری از گنجینه‌ها، کتاب‌ها و آثار هنری به ونیز منتقل شد یا در کمال بی‌توجهی از میان رفت (Maalouf 1984, P. 221). از زمانی که کنستانتین بزرگ (حک: ۳۰۶-۳۳۷م) شهر قسطنطنیه را آباد کرده بود، صلیبی‌ها با اشغال آن، بزرگ‌ترین ضربه را به این شهر زدند و به زوال این امپراطوری سرعت بیشتری بخشیدند (ibid). پس از اشغال قسطنطنیه، بونیفاس مونت‌فرات^۳ (حک: ۶۰۰-۶۰۳ق/۱۲۰۴-۱۲۰۷م)، فرمانده اصلی صلیبیون در نبرد با الکسیوس پنجم، در همان سال در کلیسای ایاصوفیه تاجگذاری کرد و دولت لاتینی بیزانس را در شهر قسطنطنیه و نواحی پیرامونی تنگه‌های بسفر و داردانل بر سر کار آورد (گرگوری ۱۴۰۰،

1) Innocent III

2) Alexios IV

3) Boniface of Montferat

ص ۳۴۹). پس از آن چندین دولت در آسیای صغیر بر سر کار آمد که یکی از آنها امپراطوری نیکیه بود و پایه‌گذار آن تئودور لاسکاریس (حک: ۶۰۱-۱۷ق/۱۲۰۵-۱۲۲۱م)، داماد الکسیوس سوم، بود. وی حکومت مناطق باختری آسیای صغیر به مرکزیت نیکیه را به عهده داشت. حاکمان بعدی این منطقه خود را پادشاهان قانونی امپراطوری بیزانس می‌دانستند (همان، ص ۳۵۵). در همین زمان پادشاهی تراپوزان دولت دیگری بود که مؤسسان آن الکسیوس یکم کومننوس^۱ (حک: ۶۰۰-۶۱۸ق/۱۲۰۴-۱۲۲۲م) و برادرش داوود کومننوس (حک: ۶۰۰-۶۰۸ق/۱۲۰۴-۱۲۱۲م)، دو نوۀ آندرونیکوس یکم کومننوس (حک: ۵۷۸-۵۸۰ق/۱۱۸۳-۱۱۸۵م)، بودند و منطقه حکمرانی‌شان در گوشه شمال‌شرقی آسیای صغیر و جنوب‌غربی دریای سیاه واقع شده بود (فضلی‌نژاد و خیراندیش ۱۳۹۸ الف، ص ۸۷). ملکه تمار (حک: ۵۷۹-۶۰۹ق/۱۱۸۴-۱۲۱۳م)، پادشاه گرجستان، نیز به آن‌ها در بنیان‌گذاری این دولت کمک کرد (Hewsen 2009, p. 47). دولت دیگر، دولت ارمنستان کیلیکیه و مؤسس آن روبن یکم (حک: ۴۷۳-۴۸۷ق/۱۰۸۱-۱۰۹۵م) بود. وی پس از نبرد ملازگرد و شکست امپراطوری بیزانس از دولت سلجوقی در گوشه جنوب شرقی آسیای صغیر بر سر کار آمده بود (Ghazarian 2000, p. 45). اما مهم‌ترین دولت آسیای صغیر در نیمه نخست سده سیزدهم میلادی/ هفتم هجری دولت سلجوقیان روم بود که بخش‌های گسترده‌ای از این منطقه را زیر فرمان خود داشت. چندپارگی سیاسی و تجزیه آناتولی موقعیتی راهبردی برای تجارت در قلمرو دولت سلجوقیان روم به وجود آورد.



نقشه جغرافیایی و محدوده قلمرو سلجوقیان روم در دوران اوج قدرت
(دانشنامه برخط تاریخ جهان)

1) Alexios I Komnenos

سلجوقیان روم و توجه به دریا و رونق بنادر

دولت سلجوقی روم که از زمان بنیان‌گذاری در سال ۴۶۹ق/ ۱۰۷۷م قلمروش محدود به نواحی مرکزی آسیای صغیر بود، پس از آنکه صلیبیون قسطنطنیه را در سال ۶۰۰ق/ ۱۲۰۴م فتح کردند، قلمروی خود را به سمت کرانه‌ها و بنادر دریای سیاه و دریای مدیترانه گسترش داد. بدین ترتیب، از دولتی که بیشتر قلمروش در خشکی قرار گرفته بود تبدیل به دولتی شد که دسترسی خوبی به سواحل دو دریای سیاه و دریای مدیترانه داشت. این امر سبب گسترش مناسبات بازرگانی میان این دو دریا شد و دولت‌های ترابوزان و ارمنستان کیلیکیه، که مناسبات بازرگانی پویایی در دو دریای سیاه و مدیترانه داشتند، تا حدود زیادی زیر سلطه دولت سلجوقیان روم قرار گرفتند. این نکات سبب شده برخی از پژوهشگران، دورهٔ اوایل سدهٔ سیزدهم میلادی/ هفتم هجری را که برابر با پادشاهی این سلاطین بوده است عصر درخشان منطقهٔ آسیای صغیر بدانند (Bedrosian 1997, p. 241-242).

غیاث‌الدین کیخسرو یکم از ابتدای سلطنت خویش توجه بسیاری به مناسبات بازرگانی با دولت‌های دیگر داشت. در سال ۶۰۳ق/ ۱۲۰۷م، شماری از بازرگانان مسلمان که در قلمرو دولت سلجوقیان روم می‌زیستند به دربارش آمدند و او را از نامنی‌هایی که پس از تسلط صلیبیان بر بندر انطالیه (بندر آنتالیای کنونی) در امر بازرگانی به وجود آمده بود و از غارت کشتی‌ها و کاروان‌ها باخبر کردند (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰، ص ۳۳).

همان سال غیاث‌الدین کیخسرو یکم به بندر انطالیه لشکرکشی کرد و پس از دو ماه محاصره این بندر را با منجیق تسخیر نمود، سپس در سال ۶۰۴ق/ ۱۲۰۸م به بندر لاذیق (لاذقیه) لشکرکشی کرد و با شکست دادن سردار بیزانسی آنجا (ارمینوس) این بندر را هم تصاحب کرد. این دو بندر جزو مهم‌ترین بنادر دریای مدیترانه در کرانه‌های خاوری آن به شمار می‌رفت (همان، ص ۳۴). در بندر انطالیه کشتی‌های نیکویی ساخته می‌شد (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷، ص ۳۸۶) و بازرگانان از ملیت‌های گوناگون همچون مصری، شامی، قبرسی و لاتینی در آنجا حضور داشتند، زیرا به راحتی می‌توانستند برای دادوستد کالاهای گوناگون به شهرهای قونیه و سیواس سفر کنند (Cahen 2001, p. 93). از این رو، تسخیر این بنادر موجب گسترش مناسبات بازرگانی میان دولت سلجوقی روم و دولت‌های همجوار دریای مدیترانه شد (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰، ص ۳۴).

غیاث‌الدین کیخسرو یکم در ذی‌الحجهٔ ۶۰۷ / می ۱۲۱۱ در نبردی به هواداری از امپراطور

الکسیوس سوم بر ضد دامادش، لاسکاریس کشته شد (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۳۴) و میان سه فرزندش عزالدین کیکاوس، علاءالدین کیقباد یکم و کی فریدون ابراهیم بر سر جانشینی درگیری‌هایی رخ داد که در نهایت در سال ۶۰۸ق/ ۱۲۱۲م عزالدین کیکاوس با کمک لئوی یکم (حک: ۱۱۹۸-۱۲۱۹م)، پادشاه دولت ارمنستان کیلیکیه، و عمویش طغرل‌شاه، فرمانروای شهر ارزروم، و شماری از سرداران سپاه دولت سلجوقی برادرانش را شکست داد و با زندانی کردن آن‌ها در قلعه انگوریه (آنکارا) به پادشاهی رسید (مشکور ۱۳۵۰، نود و پنج).

عزالدین کیکاوس از آغاز سلطنتش در پی فتح بندرهای کنار دریای سیاه بود. او نخست بندر انطالیه (آناتلیا) را در سال ۶۰۹ق/ ۱۲۱۳م تصاحب کرد. ساکنان این بندر در دوره درگیری بر سر جانشینی غیاث‌الدین کیخسرو یکم علیه دولت سلجوقی روم شورش کرده بودند. او در سال ۶۱۱ق/ ۱۲۱۵م نیز به بندر سینوپ لشکر کشید و آنجا را به تسخیر خود درآورد. این حمله به دنبال نامه‌ای بود که مردم و بازرگانان شهر سینوپ نوشته بودند و از جنایات بیش از حد تکافور (تکفور)، فرمانروای بیزانسی شهر سینوپ، به او شکایت کرده بودند. (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۵۴)

تسخیر بندر سینوپ از دو نظر واجد اهمیت بود: نخست آنکه، سبب شد تا دولت سلجوقی روم صاحب بندری در کرانه جنوبی دریای سیاه شود و دیگر اینکه، با تسخیر این بندر، ارتباط میان پادشاهی ترابوزان و امپراطوری نقیه قطع شد چون این بندر راه ارتباطی میان این دو پادشاهی بود. همچنین تسخیر دو بندر انطالیه (آناتلیا) در کنار دریای مدیترانه و سینوپ در کنار دریای سیاه جنوب و شمال این منطقه را در اختیار دولت سلجوقی روم قرار داد.

عزالدین کیکاوس در محرم سال ۶۱۳ق/ آوریل ۱۲۱۶م برای گسترش قلمرو دولت سلجوقیان روم، از شهر قیصریه به سمت قلمرو دولت ارمنستان کیلیکیه لشکرکشی نمود. عزالدین کیکاوس مدتی شهر سیس، پایتخت قلمرو دولت ارمنستان کیلیکیه را محاصره کرد و پس از آن به بندر طرسوس لشکرکشی کرده و با به کارگیری منجنیق آنجا را تسخیر نمود. بندر طرسوس یکی از مهم‌ترین بنادر در خاور دریای مدیترانه به شمار می‌رفت و این امر در گسترش بازرگانی در قلمرو دولت سلجوقیان روم تأثیر به‌سزایی داشت (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۶۰).

در چهارم شوال سال ۶۱۷/ نهم دسامبر ۱۲۲۰، عزالدین کیکاوس درگذشت و برادرش، علاءالدین کیقباد، توانست با کنار زدن برادرزاده‌اش، کی فریدون، و عبور از شهر قیصریه به شهر قونیه برسد و سلطنت دولت سلجوقی روم را از آن خود کند.

علاءالدین کیقباد بلافاصله پس از رسیدن به سلطنت در سال ۶۱۸ق/ ۱۲۲۱م، به درون قلمرو دولت ارمنستان کیلیکیه لشکرکشی کرد و هفت قلعه را در سواحل دریای مدیترانه که متعلق به این دولت بود تسخیر نمود (تاریخ آل سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۸، ص ۸۹). او همچنین در سال ۶۲۰ق/ ۱۲۲۳م، بنا به درخواست بازرگانان مسلمان شهر انطالیه به بندر کلونوروس (علائیه یا آلانیای کنونی) لشکرکشی کرد و پس از فتح آنجا، نام این بندر را به علائیه تغییر داد. او در آنجا قلعه‌ای برای محافظت از بازرگانی دریایی در بنادر زیر سلطه دولت خویش بنا نمود (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰، ص ۹۷). همچنین به دستور او یک کارخانه کشتی‌سازی در این بندر ساخته شد (Cahen 1968, p. 124).

در سال ۶۲۲ق/ ۱۲۲۵م، حسام‌الدین امیر چوپان به دستور علاءالدین کیقباد برای لشکرکشی به بندر سغداق (سوداک) راهی آنجا شد. او از طریق بندر سینوپ و با گذر از دریای سیاه خود را به بندر سغداق رساند (ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰، ص ۱۴۱). او لشکر بازرگانان سغدی را که متشکل از ده‌هزار مزدور کومان و روس بودند، شکست داد و این بندر را تصاحب نمود. بلافاصله پس از این پیروزی، علاءالدین کیقباد حکم فرمانروایی امیر چوپان را بر بندر سغداق ارسال کرد (همان، ص ۱۳۵-۱۳۹). این بندر به سبب آنکه در شمال دریای سیاه قرار داشت، در گسترش امر بازرگانی بسیار مؤثر بود. دولت سلجوقی روم توانست با در اختیار داشتن بنداری در کرانه خاوری دریای مدیترانه و در شمال و جنوب دریای سیاه، موقعیتی ویژه در مناسبات بازرگانی این دو دریا به دست آورد. بنا به گفته دمشقی، مردم بندر سغداق طی این دوره علاوه بر زبان ویژه‌ای که زبان خودشان بود به زبان‌های پارسی، ترکی، عربی و ارمنی نیز صحبت می‌کردند (انصاری دمشقی، ۱۳۵۷، ص ۳۸۶).

بندر ترابوزان بندری مهم در جنوب دریای سیاه و پایتخت پادشاهی ترابوزان بود. ابن‌حوقل در اثر خود شهر ترابوزان را اطرابزنده خوانده و آن را یکی از بنادر دریای سیاه دانسته است که از قسطنطنیه و از طریق دریای سیاه به آنجا کالاهایی همچون کتان یونانی، پارچه‌های پشمی و دیبای رومی می‌آورده‌اند (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶، ص ۲۸۵). طی این دوره، پادشاهی ترابوزان به دلیل برقراری مناسبات بازرگانی با بنادر شمالی دریای سیاه به ویژه بندر خرسون^۱ ثروت زیادی کسب کرده بود (فضلی‌نژاد و خیراندیش، ۱۳۹۸، ص ۸۲). همچنین میان این دولت و سرزمین‌های اسلامی نیز مراودات بازرگانی وجود داشت (Laiou 2002, vol 1, p. 748). از این رو علاءالدین کیقباد در سال ۶۲۵ق/ ۱۲۲۸م در پی تسخیر بندر ترابوزان

1) Kherson

افتاد. او بدین منظور مبارزالدین ارتقش اتابک را مأمور این کار کرد. مبارزالدین از شهر قیصریه به بندر سینوپ رفت و از آنجا با استفاده از شماری از کشتی‌های بازرگانان مسلمان به بندر ترابوزان لشکر کشید. مدتی این بندر در محاصره بود، اما به تسخیر درنیامد. در نهایت پادشاهی ترابوزان پرداخت خراج به دولت سلجوقی روم را پذیرفت و لشکرکشی به این بندر پایان یافت (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۱۴۲). برقراری مناسبات صلح‌آمیز میان دو دولت سلجوقی و پادشاهی ترابوزان مناسبات بازرگانی در منطقه را گسترش داد.

ابن‌بی‌بی المنجمه درباره‌ی دوره‌ی سلطنت علاءالدین کیقباد چنین می‌گوید:

دوره سلطنت او (کیقباد یکم) درخشان‌ترین ادوار سلجوقیان روم است. وی پادشاهی لایق، هنرمند و دانشمند بود. در زمان او شهر قونیه آبادی فراوان یافت و تجارت در بلاد او با رونق شد و شهر سیواس از مهم‌ترین شهرهای بازرگانی مشرق شد. (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۹۱-۹۲)

تصویری که ابن‌بی‌بی از پادشاهانی همچون غیاث‌الدین کیخسرو، عزالدین کیکاوس و علاءالدین کیقباد ارائه داده است، تصویر پادشاهان ایرانی و مروج مناسبات بازرگانی است. همچنین در اندیشه‌ی او علاءالدین کیقباد قدرتمندترین پادشاه دولت سلجوقیان روم است. او در کتاب خود، علاءالدین کیقباد را با ذوالقرنین مقایسه کرده است (همان‌جا). آقسرای نیز علاءالدین کیقباد را پادشاهی صاحب رای و تدبیر دانسته که به داد و عدل فرمان رانده است (آقسرای ۱۳۶۲، ص ۳۳). خلیفه‌ی عباسی، الناصرالدین بالله، ابوحفص عمر سه‌روردی را برای تأیید سلطنت علاءالدین کیقباد به دربار او در قونیه فرستاد (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۹۴).

اتصال دو دریای سیاه و مدیترانه با ساخت کاروانسراها و راه‌های ارتباطی

در بازه‌ی زمانی میان فتح قسطنطنیه تا نبرد کوسه‌داغ، به دلیل علاقه‌مندی سلاطین دولت سلجوقی به مناسبات بازرگانی، امنیت راه‌های بازرگانی که از درون منطقه‌ی آسیای صغیر می‌گذشت تأمین بود. در این دوره مسیرهای بازرگانی که فلات ایران و آسیای مرکزی را به بنادر دریای سیاه و مدیترانه متصل می‌کرد از درون قلمرو این دولت می‌گذشت. این امر سبب شده بود سلجوقیان روم به اصلی‌ترین قدرت در منطقه‌ی آناتولی تبدیل شوند. تا آغاز سده‌ی سیزدهم میلادی/ هفتم هجری، کاروانسراه‌های چندانی در منطقه‌ی آسیای صغیر وجود نداشت، اما در دوره‌ی پادشاهی غیاث‌الدین کیخسرو یکم و جانشینانش، عزالدین کیکاوس و علاءالدین کیقباد، کاروانسراه‌های بسیاری ساخته شد. این سه پادشاه

در طول دوران سلطنت خود بیش از پنجاه کاروانسرا در آسیای صغیر بنا کردند که بیشتر آنها در مسیرهای مهم و پر رفت‌وآمد بود، همچون مسیرهای میان بنادر دو دریای مدیترانه و سیاه و شهرهای مهم این منطقه همچون قونیه، سیواس و ارزروم. مکان ساخت این کاروانسراها نشانگر اهمیت راهبردی مسیرهای مذکور است. ساخت پل‌ها، امنیت راه‌ها و مسیرهای مهم برای کاروان‌های بازرگانی نیز از جمله کارهایی است که در زمان ایشان انجام شد.

همچنین کاروانسراها و مسیرهای مهم رفت‌وآمد کاروان‌ها که امپراطوری بیزانس ساخته بود به دست ایشان تعمیر شد. کاروانسراهایی که سلاطین سلجوقی بنا کرده بودند به دو دسته تقسیم می‌شد: دسته نخست که مجلل‌تر به شمار می‌رفت، سلطان خان نامیده می‌شد و دسته دوم، خان. در کنار این کاروانسراها برج‌وبارویی برای نگهداری از کاروان‌ها و اموال کاروانیان وجود داشت (Fleet, 2009, Vol 1, p. 311). این کاروانسراها دارای فضایی بزرگ بودند که با توجه به آب‌وهوای منطقه ساخته می‌شدند. شمار زیادی از این کاروانسراها در مسیر میان دو شهر قونیه و سیواس بنا شده بودند (افلاکی ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۷۵). بدین ترتیب، مسیر بازرگانی شهرهای مهمی چون سیواس، قونیه و قیصریه از رونق بسیاری برخوردار بود (Varlik 2015, p. 104; Peacock & Nur Yildiz 2013, p. 267).

از دوره پادشاهی غیاث‌الدین کیخسرو یکم، مناسبات بازرگانی میان دو شهر قونیه و تبریز افزایش پیدا کرد (آق‌سرایلی ۱۳۶۲، ص ۳۲) و شهر سیواس تبدیل به مهم‌ترین شهر از نظر بازرگانی در آسیای صغیر شد، چراکه راه‌های بازرگانی از مناطقی همچون بنادر دریای سیاه و دریای مدیترانه، قسطنطنیه، شام، میان‌رودان، فلات ایران و قفقاز به این شهر می‌رسید و بازرگانان این مناطق کالاهای خود را برای دادوستد با کالاهای دیگر به این شهر می‌آوردند (مستوفی ۱۳۶۲، ص ۱۰۹). در این دوره کاروانسرای بزرگ شهر سیواس محل استراحت کاروان‌های بازرگانی بود (خیراندیش و نامداری منفرد ۱۴۰۱، ص ۸۹).

بنا به گفته ابن‌عمری، غیاث‌الدین کیخسرو یکم اقدامات آبادگانه بسیاری در شهر قیصریه که بیشتر ساکنان آن پارسی‌زبان بودند انجام داد. او در این شهر حمام‌ها، بازارها و بیمارستان‌های زیبا و کاروانسراهای بسیاری میان قیصریه تا سیواس بنا نمود (ابن‌عمری ۲۰۱۰، ج ۳، ص ۲۲۳-۲۲۷).

عزالدین کیکاوس نیز پس از فتح بندر سینوپ، دیوارهای دفاعی پیرامون این بندر را بازسازی کرد. ساخت این بندر در ربیع‌الثانی سال ۶۱۲/ اوت ۱۲۱۵ به پایان رسید. او در شهرهای سینوپ، آنتالیا، قونیه، سیواس و مرعش بازارهایی بنا نمود. عزالدین کیکاوس بر سر در این بازار کتیبه‌ای با این مضمون نصب کرد:

سلطان پیروز، پادشاه مشرق و مغرب، سلطان السلاطین، پادشاه فارس و عرب، پناهگاه اسلام و مسلمین، سلطان عزالدین کیکاوس. (Mecit 2014, P. 102)

کاهن علاءالدین کیقباد را که به صورت مستقل بر قلمرو دولت سلجوقی روم فرمان راند، قدرتمندترین پادشاه دولت سلجوقیان روم می‌داند (Cahen 1968, P. 124). به گفته ابن عمری او بناهای بسیاری از جمله بازارها و کاروانسراهای زیبایی در شهرهای آسیای صغیر بنا نمود و مسیرهای بازرگانی آنجا را امن کرد (ابن عمری ۲۰۱۰، ج ۳، ص ۲۲۸). در دوره پادشاهی او بازرگانی و شهرسازی رونق بیشتری یافت. به پادشاهی رسیدن علاءالدین کیقباد همزمان با تازش مغول به قلمرو دولت خوارزمشاهیان بود. در این دوره، شماری از ایرانیان که در خراسان و فرارود می‌زیستند و از حمله مغول جان سالم به در برده بودند، خود را به آسیای صغیر رساندند. آن‌ها علاوه بر گسترش زبان پارسی و فرهنگ ایرانی در این منطقه، در ساخت مساجد، مدارس و کاروانسراها در شهرهای زیر سلطه دولت سلجوقی روم همچون قونیه و سیواس شرکت جستند و گسترش مناسبات بازرگانی نیز میان ایران و آسیای صغیر فراهم شد (Mecit 2014, P. 98). شاید بهاءالدین ولد و فرزندش، مولانا، سرشناس‌ترین افرادی باشند که در این دوره با دعوت علاءالدین کیقباد وارد شهر قونیه شدند.

علاءالدین کیقباد در سال ۶۲۳ق/ ۱۲۲۶م، عازم نبرد با گرجیان شد و آنها را شکست داد و چهار شهر آنجا را تسخیر نمود (تاریخ آل سلجوق در آناتولی ۱۳۷۸، ص ۹۰). این امر مسیرهای بازرگانی در مشرق قلمرو دولت سلجوقی روم را امن کرد و رفت و آمد بازرگانان در این مسیرها بیشتر شد. علاءالدین کیقباد با ازدواجش با تامارا، دختر ملکه رسودان^۱ (حک: ۶۴۳-۶۲۰ق/ ۱۲۴۵-۱۲۲۳م)، در سال ۶۳۴ق/ ۱۲۳۶م سبب گسترش مناسبات بازرگانی زمینی و دریایی میان این دو حکومت شد، چراکه هر دو حکومت بر بخش‌هایی از کرانه‌های دریای سیاه فرمانروایی می‌کردند و این ازدواج این دو قلمرو را به هم پیوست (هوارث ۱۴۰۰، ص ۴۱).

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، همزمان با فرمانروایی عزالدین کیکاوس، مغول به مناطقی همچون فرارود، خوارزم و خراسان تاخت و دولت خوارزمشاهیان را برانداخت. جلال‌الدین خوارزمشاه که پس از فتوحات مغول به هندوستان رفته و پس از مرگ او، به ایران بازگشته بود در سال ۶۲۲ق/ ۱۲۲۵م، و همزمان با فرمانروایی علاءالدین کیقباد به منطقه آذربایجان لشکر کشید و دولت اتابکان آذربایجان را

1) Rusudan

برانداخت (بویل ۱۳۹۰، ص ۳۰۸-۳۰۹). پس از آن جلال‌الدین خوارزمشاه به سمت قلمرو دولت سلجوقی روم، لشکرکشی کرد. علاء‌الدین کیقباد به مقابله با او شتافت و در ۲۸ رمضان سال ۶۲۷/۶ اوت ۱۲۳۱ در ناحیه یاسی چمن، در نزدیکی شهر ارزنجان، با او جنگید و او را شکست داد (نسوی ۱۳۶۶، ص ۱۸۰). پیروزی علاء‌الدین کیقباد در این نبرد، جلوی بروز ناامنی در آسیای صغیر را گرفت (مشکور ۱۳۵۰، نود و هشت). علاء‌الدین کیقباد که به خوبی از قدرت مغول و شدت ویرانگری سپاهیاناش آگاه شده بود برای جلوگیری از لشکرکشی مغول به آسیای صغیر در سال ۶۳۰ق/۱۲۳۳م، به دربار اکتای قآن (۱۲۲۹-۱۲۴۱م) سفیری فرستاد و اظهار اطاعت کرد و در مقابل، اکتای قآن حکومت علاء‌الدین کیقباد را به رسمیت شناخت (همان، نود و نه). بدین ترتیب، لشکرکشی مغول به آسیای صغیر یک دهه به تعویق افتاد و مناسبات بازرگانی پویا در آنجا ادامه پیدا کرد.

علاء‌الدین کیقباد در سال ۶۳۰ق/۱۲۳۳م، به قلمرو دولت ارمنستان کیلیکیه لشکرکشی و هیتوم یکم (۱۲۲۶-۱۲۶۹م)، پادشاه دولت ارمنستان کیلیکیه، پذیرفت که به علاء‌الدین کیقباد خراج بپردازد و نام او را بر روی سکه‌های رایج مملکتش ضرب کند (Ghazarian 2000, P. 55). این اقدام نیز به گسترش بیش از پیش مناسبات بازرگانی میان دو دولت سلجوقیان روم و ارمنستان کیلیکیه انجامید.

علاء‌الدین کیقباد آبادانی‌های بسیاری در آسیای صغیر انجام داد. در این دوره شهرهایی همچون ارزنجان، قیصریه، سیواس، ملطیه و قونیه جزو مهم‌ترین مراکز بازرگانی آناتولی به شمار می‌رفتند و در آنجا بازرگانان ایرانی، ارمنی، یونانی و ایتالیایی مشغول به دادوستد کالاها و گوناگون بودند. مهم‌ترین رقبای بازرگانان ونیزی، بازرگانان ارمنی و یونانی بودند (رایس ۱۳۸۹، ص ۱۰۳؛ لسترنج ۱۳۶۷، ص ۱۴۵). علاء‌الدین کیقباد جهت آسودگی بازرگانان به دولت دستور داد که در صورت خسارت اموال بازرگانان، چه از طریق راهزنی در خشکی و چه از طریق دزدان دریایی در دریا، تمامی خسارت ایشان از خزانه دولت پرداخته شود (ابن‌بی‌بی ۱۳۹۰، ص ۲۸۰).

علاء‌الدین کیقباد در زیباسازی شهرهای زیر سلطه‌اش، به‌ویژه شهر قونیه اهتمام خاص ورزید. بخش‌های زیادی از آناتولی را تبدیل به باغ میوه کرد. همچنین در نواحی مرکزی آسیای صغیر، کارخانه‌های صنعتی مانند تصفیه خانه نیشکر برپا ساخت و نیشکرهایی که از سرزمین مصر به آناتولی می‌آمد در این کارخانه‌ها تصفیه می‌شد (رایس ۱۳۸۹، ص ۷۲). در دوره او، به جهت ساخت کاروانسراها و پل‌های متعدد در مسیرهای بازرگانی، تجارت میان شهرهای مهمی همچون تبریز، ترابوزان و قسطنطنیه رونق گرفت (حسن‌زاده و طارم ۱۳۹۸، ص ۷۲-۷۵؛ ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۱۴۷).

حمدالله مستوفی در کتاب نزهة القلوب آورده است که، دو شهر قیصریه و سیواس در دوره فرمانروایی علاءالدین کیقباد به نهایت آبادانی خود رسید و مورد توجه بازرگانان قرار گرفت. او مهم‌ترین محصولات این دو شهر را غله، پنبه، حبوبات، انگور و میوه‌های دیگر معرفی کرده است (مستوفی ۱۳۶۲، ص ۹۴-۹۸). حمدالله مستوفی همچنین از مسیر سیواس به تبریز به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای بازرگانی یاد کرده است، که از طریق آن بسیاری از کالاهای آسیای صغیر به تبریز می‌رسید و از آنجا به خراسان، اصفهان و شیراز راه می‌یافت. (همان، ص ۱۸۳-۱۸۵)

گسترش تجارت داخلی و خارجی برای رفاه و امنیت قلمرو

سلاطین سلجوقی با فتح بنادر و ساخت زیربناهای گوناگون از جمله، ساخت کاروانسراهای بسیار در مسیرهای بازرگانی و تأمین امنیت راه‌ها، سبب جلب بازرگانان خارجی و رشد و گسترش مناسبات بازرگانی شدند.

جنگ‌های صلیبی و اشغال بندر قسطنطنیه در نواحی پیرامونی تنگه‌های بسفر و داردانل ناامنی ایجاد کرده بود و به دنبال آن مبادلات بازرگانی میان دو دریای مدیترانه و دریای سیاه با کاهش رفت‌وآمد کشتی‌ها در این دو تنگه، کاهش یافته بود (رایس ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

در این زمان پای بازرگانان ایتالیایی به‌خصوص بازرگانان ونیزی به‌صورت گسترده به قلمروی امپراطوری بیزانس باز شده بود. آن‌ها پس از حضور در قلمروی امپراطوری بیزانس به فکر نفوذ در قلمروی دولت سلجوقی روم افتادند. بازرگانان ایتالیایی همواره در پی آن بودند تا برای گسترش مناسبات بازرگانی خود در آسیای صغیر، معاهداتی با سلاطین دولت سلجوقی روم منعقد سازند. در نهایت در سال ۶۱۷ق/ ۱۲۲۰م، میان علاءالدین کیقباد و پودستا یاکوپو تیه پولو،^۱ نماینده دولت - شهر ونیز، یک معاهده بازرگانی بسته شد که براساس آن بازرگانان ونیزی اجازه جابه‌جایی همه نوع کالا، حتی سنگ‌های گرانبها و طلا را تنها با پرداخت دو درصد مالیات به دست می‌آوردند (Cahen 2001, P. 94). به این ترتیب، بازرگانان ایتالیایی توانستند بسیاری از کالاها را از طریق آسیای صغیر میان دو دریای سیاه و دریای مدیترانه جابه‌جا کنند. همچنین بازرگانان ونیزی به دلیل فعال بودن کشتی‌های این دولت - شهر، در مسیر دریایی میان بندر اسکندریه تا بندر آنتالیا کالاهایی همچون ادویه، شکر، اسلحه و پنبه را از مصر به منطقه آسیای صغیر منتقل می‌کردند. (ibid)

1) Podesta Jacopo Tiepolo

هنگامی که دولت سلجوقی بندر سغداق را تصاحب کرد، میان علاءالدین کیقباد و دولت - شهر ونیز قرارداد بازرگانی جدیدی بسته شد که براساس آن دریانوردان ونیزی، مأمور سرکوب دزدان دریایی در دریای سیاه شدند. همچنین قرار شد، درگیری‌های میان ونیزی‌ها و لاتینی‌ها (که شامل دیگر دولت - شهرهای ایتالیایی نیز می‌شد) را یک دادگاه ونیزی، و درگیری میان دولت سلجوقیان روم و لاتینی‌ها را یک دادگاه سلجوقی حل و فصل کند (رایس ۱۳۸۹، ص ۱۰۳).

در همین زمان، شهر موصل نیز یکی از شهرهای مهم شمال منطقه میانرودان از نظر بازرگانی بود و حلب مهم‌ترین شهر در شمال منطقه شامات به شمار می‌رفت. بازرگانان عراقی و سوری کالاهای خود را به شهرهایی همچون قیصریه، قونیه و سیواس درون قلمرو سلجوقی می‌بردند تا آن را با دیگر کالاهای بازرگانی دادوستد کنند. بازرگانان عراقی و سوری حق بردن کالاهای خود به بنادر سینوپ و سوداک را نداشتند و باید کالاهای خود را به بازرگانانی که زیر نظر دولت سلجوقی کار می‌کردند می‌سپردند. آنها این کالاها را با خود به بندر سینوپ و سپس بندر سوداک می‌بردند و پس از مبادله این کالاها با کالاهای مورد نظر بازرگانان عراقی و سوری، آنها را به دست ایشان می‌سپردند (همان، ص ۱۰۴).

مهم‌ترین کالاهایی که بازرگانان عراقی از شهر موصل با خود به آسیای صغیر می‌آوردند، عبارت از چوب و خرما بود و مهم‌ترین کالاهایی که بازرگانان سوری به همراه خود از شهر حلب به این منطقه می‌آوردند، پارچه‌های نفیس دمشقی بود. بازرگانانی که زیر نظر دولت سلجوقی روم فعالیت می‌کردند پس از حمل این کالاها به بندر سوداک، کالاهایی همچون احجار کریمه و پوست و خز جانورانی همچون قاقم و سمور را برای بازرگانان عراقی و سوری به ارمغان می‌آوردند. دو درصد از ارزش کالاهایی که از بندر سینوپ به بندر سوداک یا به عکس منتقل می‌شد، به‌عنوان مالیات به دولت سلجوقی تعلق می‌گرفت (همان‌جا). شمس‌الدین انصاری دمشقی در کتاب *نخبة الدهر فی العجائب البر و البحر* خود آورده است، بسیاری از کالاهای مناطقی همچون روم، شام، ارمنستان و آذربایجان از طریق رود فرات برای فروش به شهر بغداد برده می‌شدند یا برعکس از آنجا به این مناطق انتقال پیدا می‌کردند (انصاری دمشقی ۱۳۵۷، ص ۱۴۹).

کالاهای بسیاری همچون ادویه‌جات، اسلحه، شکر و پنبه از مصر، پنبه از شام، پشم، مشک و عود و عنبر از بغداد، ابریشم از چین، قالی از شیراز و فرارود، اسب‌های اصیل از گرجستان، پوست و خز

جانوران از استپ‌های شمال دریای سیاه و برده‌های مرد و زن از منطقه قفقاز به بازارهای شهرهای مهمی چون سیواس، قونیه و قیصریه راه پیدا می‌کرد (رایس ۱۳۸۹، ص ۱۰۵).

بدین ترتیب، در دوره فرمانروایی علاءالدین کیقباد، مناسبات بازرگانی در آسیای صغیر به اوج خود رسیده بود. گفته‌های ژان دو نویل به خوبی بیانگر این نکته است که علاءالدین کیقباد چگونه توانسته بود از طریق بازرگانی، ثروت فراوانی را نصیب دولت سلجوقی روم کند. او درباره علاءالدین کیقباد چنین می‌گوید:

در زمان ورود ما به قبرس سلطان ایکونوم (قونیه)، علاءالدین کیقباد، ثروتمندترین فرمانروای تمام مشرکان جهان بود (Joinville 1984, p. 199).

کاهش مبادلات بازرگانی بنادر شمال و جنوب

علاءالدین کیقباد در ماه شوال ۶۳۶ / می ۱۲۳۷ درگذشت و پسرش غیاث‌الدین کیخسرو دوم جانشین او شد (تاریخ آل سلجوق در آناتولی ۱۳۷۸، ص ۹۱). در دوره پادشاهی او مناسبات بازرگانی در آسیای صغیر همچون دوره فرمانروایی پدرش ادامه یافت، تا آنکه در سال ۶۴۰ / ۱۲۴۲ م، لشکریان مغول به فرماندهی بایجونویان به آسیای صغیر تاختند و شهر ارزروم را که یکی از شهرهای زیر فرمان دولت سلجوقی روم بود به تسخیر خود درآوردند (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۲۳۵). غیاث‌الدین کیخسرو دوم برای جلوگیری از پیشروی مغول به سمت‌شان لشکرکشی کرد و دو لشکر در ۲۹ ذی‌الحجه سال ۶۴۰ / ۲۶ ژوئن ۱۲۴۳، در منطقه ارزنجان در کوسه‌داغ با یکدیگر درگیر شدند. در این نبرد مغول پیروز شد و غیاث‌الدین کیخسرو دوم به انگوریه (آنکارا) عقب‌نشینی کرد. قوم مغول شهر قیصریه را نیز فتح و غارت نمود (ابن‌بی‌بی ۱۳۵۰، ص ۲۴۱-۲۴۲). دو عامل مهم در زوال مناسبات تجاری و نابودی استقلال دولت سلجوقی روم، درگذشت علاءالدین کیقباد و تازش مغول به آسیای صغیر بود (هولت ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۳۵). سیمون سنت کوئنتین (سده هفتم هجری/ سیزدهم میلادی)، راهب دومینیکنی، که از جانب پاپ اینوسنت چهارم (۶۴۰-۶۵۱ / ۱۲۴۳-۱۲۵۴ م) به دربار مغول در قراقوروم فرستاده شده بود، در گذر از آسیای صغیر در سال ۶۴۲ / ۱۲۴۵ م، این منطقه را اینگونه توصیف کرده است:

شهرهایی که پادشاه ترکان بر آن فرمان می‌رانند ثروتمندترین شهرهایی است که من تاکنون دیده‌ام (St Quentin 1965, p. 66).

نکته قابل اهمیت در نوشته‌های سیمون سنت کوئنتین این است که او این سخنان را تنها دو سال پس از شکست سلجوقیان روم از مغول بیان کرده است.

نتیجه

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که سلاطین سلجوقی روم توانستند در بازه زمانی میان فتح قسطنطنیه در جنگ چهارم صلیبی تا نبرد کوسه‌داغ، با بهره‌گیری از یک سیاست هوشمندانه و درپیش گرفتن راهبرد توسعه‌طلبانه در پیش‌روی به سمت بنادری چون آنتالیا و آلتانیا در کنار دریای مدیترانه، و سینوپ و سوداک در کنار دریای سیاه، تجارت را در آناتولی گسترش دهند. ایشان همچنین با ایجاد بازارهای جدید در شهرهای مهم آسیای صغیر همچون قیصریه، سیواس و قونیه و ساخت کاروانسراها و پل‌ها برای راحتی تردد بازرگانان و مسافران به گسترش بیشتر مناسبات بازرگانی یاری کردند. عامل دیگری که به گسترش تجارت در این بازه زمانی دامن زد، مهاجرت شمار زیادی از مردمان ساکن در مناطق فرارود، خراسان و خوارزم از هجوم مغول بود که به آسیای صغیر روی آوردند. عوامل مذکور سبب شد تا دولت سلجوقی روم در این مدت تبدیل به ثروتمندترین و قدرتمندترین دولت آسیای صغیر شود.

منابع

- آفسرای، محمد بن محمد (۱۳۶۲)، تاریخ سلاجقه (مسامرة الاخبار یا مسایرة الاخیار)، ترجمه و تصحیح دکتر عثمان توران، تهران، اساطیر.
- ابن بی‌بی (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم، به کوشش محمدجواد مشکور، تهران، کتابفروشی تهران.
- _____ (۱۳۹۰)، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه (معروف به تاریخ ابن بی‌بی)، تصحیح ژاله متحدین، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورة الارض)، ترجمه و توفیق جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
- ابن عمری (۲۰۱۰)، مسالک الابصار فی ممالک الامصار، المحقق کامل سلمان الجبوری و مهدی النجم، الجزء الثالث، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- افلاکی، شمس‌الدین احمد (۱۳۹۳)، مناقب العارفین، تصحیح تحسین یازیچی، ج ۱، تهران، دنیای کتاب.
- انصاری دمشقی، شمس‌الدین (۱۳۵۷)، نخبة الدهر فی العجائب البر و البحر، ترجمه دکتر سید حمید طبیبیان، تهران، بنیاد فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- بویل، جی. آ. (۱۳۹۰)، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- تاریخ آل سلجوق در آناتولی (۱۳۷۸)، تصحیح نادره جلالی، تهران، مؤسسه نشر میراث مکتوب.
- حسن‌زاده، اسماعیل و مریم طارم (۱۳۹۸)، «کارکرد راه‌های آناتولی در دوره سلاطین سلجوقی روم»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال یازدهم، ش ۴۳، زمستان، ص ۷۹-۶۱.

خیراندیش، عبدالرسول و مصطفی نامداری منفرد (۱۴۰۱)، بایندرین، تهران، آباد بوم. رایس، تامارا تالبوت (۱۳۸۹)، سلجوقیان در آسیای کهن، ترجمه رقیه بهزادی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فروزانی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۳)، سلجوقیان از آغاز تا فرجام، تهران، سمت. فضلی نژاد، احمد و عبدالرسول خیراندیش (۱۳۹۸ الف)، «طرابوزان پلی میان شرق و غرب همراهی تاجوران با تاجران در اواخر سده‌های میانه»، مطالعات آسیای صغیر (ویژنامه فرهنگستان)، دوره جدید، ش ۸، پاییز و زمستان، ص ۷۹-۱۰۲.

_____ (۱۳۹۸ ب)، «جایگاه ترابوزان در محاصره بری آناتولی توسط ایلخانان مغول»، فصلنامه علمی تاریخ اسلام ایران دانشگاه الزهرا (س)، سال بیست و نهم، دوره جدید، زمستان، ش ۴۴ (پیاپی ۱۳۴)، ص ۷۵-۱۰۰.

گرگوری، تیموتی. ای (۱۴۰۰)، تاریخ بیزانس، ترجمه دکتر جواد مرشدلو، تهران، سمت. لسترنج، گای (۱۳۶۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، نزه القلوب، تصحیح و تحشیه، گای لیسترانج، تهران، دنیای کتاب. مشکور، محمد جواد (۱۳۵۰)، اخبار سلاجقه روم با متن کامل سلجوقنامه ابن بی بی، تهران، کتابفروشی تهران.

نسوی، نورالدین محمد زیدری (۱۳۶۶)، سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی، ترجمه محمدعلی ناصح، به کوشش خلیل خطیب رهبر، تهران، سعدی.

هوارث، هنری (۱۴۰۰)، مغولان در قفقاز عصر قاتان، ترجمه دکتر عبدالرسول خیراندیش، تهران، آباد بوم. هولت، پی. ام (۱۳۸۳)، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، جلد یکم، تهران، شرکت چاپ و نشرین الملل.

Angold, Michael (1997), *The Byzantine Empire, 1025-1204 A Political History*, London, Longman.

Bedrosian, Robert (1997), *Armenian During The Seljuk and Mongol Periods*, Vol .1, Edited by Richard G. Hovannisian, New York, in *The Armenian People From Ancient to Modern Times*, PP. 241-271.

Cahen, Claude (1968), *Pre-Ottoman Turkey a general survey of the material and spiritual Culture and history c1071-1330*, Translated from French by J. Jones-Williams, New York, Taplinger Publishing Company.

_____ (2001), *The Formation of Turkey*, Translated by P.M.Holt, London, Pearson Education.

Fleet, Kate (2009), *The Cambridge History Turkey*, Volume I Byzantium to Turkey 1071-1453, Cambridge, Cambridge University Press.

Ghazarian, Jacob G (2000), *The Armenian Kingdom Cilicia During The Crusades: The Integration of Cilician Armenians With The Latins 1080-1393*, New York, Routledge Curzon.

Hewsen, Robert H. (2009), *Armenians on the Black Sea: The Province of Trebizond*, Edited by Richard G. Hovannisian, Costa Mesa, *Armenian Pontus: The Black Sea Communities*: PP. 37-66.

Joinville, Jean de (1984), *The Life of Saint Louis*, London, Harmondsworth.

Laiou, Angeliki E, Editorin Chief (2002). *The Economic History of Byzantium: From the Seventh through the Fifteenth Century*. Vol 1, USA: Dumbarton Oaks Studies.

Maalouf, Amin (1984), *The Crusades Through Arab Eyes*, London, Al Saqi Books.

- Mecit, Songul (2014), *The Rum Seljuqs, Evolution of a Dynasty*, New York, Routledge.
 Peacock, A.C.S & Nur Yildiz (2013), *The Seljuks of Anatolia*, New York, I.B.Tauris & Co Ltd.
 St Quentin, Simon (1965), *Historie des Tatares*, edited by Jean Richard, Paris, Librairie Droz.
 Varlik, Nukhet (2015), *Plague and Empire in The Early Modern Mediterranean World, The Ottoman Experience 1347-1600*, Cambridge, Cambridge University Press.
<https://www.worldhistory.org/uploads/images/19415.png?v=1726150326-1725615002>

References

- Aflaki, Shams al-Din Ahmad (2014), *Managheb al-'Arefin*, edited by Tahsin Yazici, vol. 1, Tehran, Donya-ye Ketab.
 Aghsarayi, Mohammad b. Mohammad (1983), *Tarikh-e Salājeghe, ya Musāmarat al-Akhhbār va Musāyarat al-Akhyār*, translated and edited by Osman Turan, Tehran, Asatir.
 Angold, Michael (1997), *The Byzantine Empire, 1025-1204 A Political History*, London, Longman.
 Ansari Dameshghi (1978), *Nokhbat al-Dahr fi al-Aja'ib al-Barr-e va al-Bahr*, translated by Seyyed Hamid Tabibiyan, Tehran, Foundation of the Iranian Academy of Arts and Letters.
 Bedrosian, Robert (1997), *Armenian During The Seljuk and Mongol Periods*, Vol .1, Edited by Richard G. Hovannisian, New York, in *The Armenian People From Ancient to Modern Times*, PP. 241-271.
 Boyle, J.A. (2011), *History of Iran Cambridge, From the Coming of the Seljuks to the Collapse of the Ilkhanate*, translated by Hassan Anousheh, Tehran, Amir Kabir.
 Cahen, Claude (1968), *Pre-Ottoman Turkey a general survey of the material and spiritual Culture and history c1071-1330*, Translated from French by J. Jones-Williams, New York, Taplinger Publishing Company.
 ——— (2001), *The Formation of Turkey*, Translated by P.M.Holt, London, Pearson Education.
 Fazlinezhad, Ahmad and Abd al- rasul Kheirandish (2019), "Trabozan, a Bridge Between the East and the West: Merchants and Merchants in the Late Middle Ages", *Asia minor Studies* (Special Issue of the Academy), New Edition, No. 8, Fall and Winter, pp. 79-102.
 ——— (2019), "The Position of Trabozan in the Siege of Anatolia by the Mongol Ilkhanates", *History of Islam and Iran*, Al-Zahra University 29, New Edition, No. 44, (Serial 134), Winter 2019, pp. 75-100.
 Fleet, Kate (2009), *The Cambridge History Turkey*, Volume I Byzantium to Turkey 1071-1453, Cambridge, Cambridge University Press.
 Foruzani, Seyyed Abolghasem (2014), *Saljughiyān dar Asiya-ye Kehin*, Tehran, Samt.
 Ghazarian, Jacob G (2000), *The Armenian Kingdom Cilicia During The Crusades: The Integration of Cilician Armenians With The Latins 1080-1393*, New York, Routledge Curzon.
 Gregory, Timothy A. (2021), *Tarikh-e Bizans*, translated by Javad Morshedlu, Tehran, Samt.
 Hassanzadeh, Esmail and Maryam Tarom (2019), "The Function of Anatolian Roads in the Period of the Seljuk Sultans of Rome", *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, Year 11, Issue 43, Winter 2019, pp. 61-79.
 Hewsen, Robert H. (2009), *Armenians on the Black Sea: The Province of Trebizond*, Edited by Richard G. Hovannisian, Costa Mesa, Armenian Pontus: The Black Sea Communities: PP. 37-66.
 Holt, P.M. (2004), *Cambridg History of Islam*, translated by Teimur Ghaderi, Vol.1, Tehran, International Printing and Publishing Company.

- Howarth, Henry (2021), *History of the Mongols*, translated by Abd al-rasoul Kheirandish, Tehran, Abadboom.
- Ibn-e Bibi, Yahya (1971), *Akhbār-e Salājeghe-ye Rūm*, edited by Mohammad Javad Mashkour, Tehran, Tehran Bookstore.
- (2011), *Al-Avāmer al-Alā'iyah fi l-Umur al- Alā'iyah*, corrected by zhaleh Mottahedin, Tehran, Institute of Human Sciences and Cultural Studies.
- Ibn Omari (2010), *Masālek al-Absār fi Mamālik al-Amsār*, Al-Muhaghegh Kamel Salman al-Jaburi and Mahdi al-Najm, The third component, Beirut, Dār al-Kotob al-Elmiyyeh.
- Ibn-e Hawghal (1987), *Safar Nāme-ye Ibn Hawghal* (Iran in the form of the Earth), translated and signed by Jafar Sho'ar, Tehran, Amir Kabir.
- Joinville, Jean de (1984), *The Life of Saint Louis*, London, Harmondsworth.
- Kheirandish, Abd al-rasul and Mustafa Namdari-Monfared (2022), *Bāyandariyān*, Tehran, Abadboom.
- Laiou, Angeliki E, Editorin Chief (2002). *The Economic History of Byzantium: From the Seventh through the Fifteenth Century*. Vol 1, USA: Dumbarton Oaks Studies.
- Lestrangle, Guy (1988), *Historical geography of the lands of the Eastern*, translated by Mahmoud Erfan, Tehran, Scientific and Cultural Publications.
- Maalouf, Amin (1984), *The Crusades Through Arab Eyes*, London, Al Saqi Books.
- Mashkour, Mohammad Javad (1971), *Akhbar-e Salajeghe-ye Rum*, Tehran, Tehran Bookstore.
- Mecit, Songul (2014), *The Rum Seljuqs, Evolution of a Dynasty*, New York, Routledge.
- Mostowfi, Hamd allāh (1983), *Nuz'hat al-Gholūb*, corrected and annotated by Guy Lestrangle, Tehran, Donya-e-Ketab.
- Nasavi, Nour al-Din Mohammad Zaidari (1987), *Sīre-ye Jalāl al-Din yā Tārikh-e-Jalāli*, translated by Mohammad Ali Naseh, with the efforts of Khalil Khatib Rahbar, Tehran, Saadi Publications.
- Peacock, A.C.S & Nur Yildiz (2013), *The Seljuks of Anatolia*, New York, I.B.Tauris & Co Ltd.
- Rice, Tamara Talbot (2010), *The Seljuks in Ancient Asia*, translated by Roghieh Behzadi, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies.
- St Quentin, Simon (1965), *Historie des Tatares*, edited by Jean Richard, Paris, Libraire Droz.
- Tārikh-e Āl-e Saljugh* (1999), translated by Nadereh Jalali, Tehran, Miras-e Maktoub.
- Varlik, Nukhet (2015), *Plague and Empire in The Early Modern Mediterranean World, The Ottoman Experience 1347-1600*, Cambridge, Cambridge University Press.
- <https://www.worldhistory.org/uploads/images/19415.png?v=1726150326-1725615002>